

## مسجد کانون استقلال فرهنگی

سیدمحمدرضا طالبیان

چکیده

نگارنده نخست با اشاره به تفاوت جهانی شدن و جهانی‌سازی، جهانی شدن را اصطلاحی ناظر به يك واقعیت عینی و خارجی دانسته است که در آن حیثیت فاعلی و ارزشی، مدنظر نیست و در مقابل، جهانی‌سازی را اصطلاحی ناظر به حیثیت فاعلی و ارزشی پدیده یا وضعیت جهانی شدن معرفی نموده است و به تعبیر روشن‌تر آن را حاکی از يك ایدئولوژی و يك برنامه هدفمند برای جهان شمول کردن پاره‌ای از امور شناسانده است.

در بخش اول این مقاله تحت عنوان جهانی شدن، مبانی، مؤلفه‌ها و پیامدها، جهانی شدن فرآیندی است در ارتباط با چهار حوزه فنی، اقتصاد، سیاست و حوزه فرهنگ که مقاله در بررسی این نکته که آیا جهانی شدن يك برنامه است یا يك پدیده طبیعی؟

در ادامه با ذکر عناصر اساسی مدرنیسم:

عقل‌گرایی، اومانیزم (انسان‌گروی)، سکولاریسم (جدانگاری دین و دنیا) و آزادی به بحران‌های دامن‌گیر جوامع مدرن مشتمل بر: بحران معرفتی، بحران اخلاقی و بحران روانی اشاره نموده است و در بخش دوم تحت عنوان کارکردهای مساجد، نقش مسجد در عصر جهانی شدن را:

تکثیر اندیشه دینی، زدودن شبهات فکری، تأمین بهداشت روانی، ترویج اندیشه مهدویت و حل مسأله بازیابی هویت معرفی نموده است. اشاره

«جهانی شدن» (Globalization) اصطلاحی ناظر به واقعیتی عینی و خارجی است که در آن حیثیت فاعلی و ارزشی، مدنظر نیست؛ به دیگر سخن، بحث در باره پدیده یا وضعی است که آدمیان اینک و در دهه‌های اخیر، با آن مواجه بوده و آن را در حال تحقق می‌بینند. در مقابل، «جهانی‌سازی» (Globalizing) اصطلاحی ناظر به حیثیت فاعلی و ارزشی پدیده یا وضع جهانی شدن است و به تعبیر روشن‌تر: حاکی از يك ایدئولوژی و برنامه‌ای هدفمند برای جهانشمول کردن پاره‌ای از امور است.

این نوشتار ابتدا به تبیین مقوله جهانی شدن می‌پردازد؛ سپس از جهانی‌سازی و راست و ناراست بودن آن سخن می‌گوید، آنگاه در باب نقش و جایگاه مساجد در عصر جهانی‌سازی و کارکردهای مؤثر آن سخن خواهد گفت.

بخش اول: جهانی شدن، مبانی، مؤلفه‌ها و پیامدها جهانی شدن

جهانی شدن فرایندی است مرتبط با چهار حوزه

(۱) حوزه فنی: در این حوزه، از وقوع و شکل‌گیری «انقلاب صنعتی و علمی سوم» سخن به میان می‌آید. «انقلاب صنعتی و علمی اول» از نیمه قرن ۱۶ تا پایان قرن ۱۷ شکل گرفت که در طی آن پیشرفت‌های شایان توجه و چشم‌گیری در زمینه‌های مهندسی، کشاورزی، پزشکی و جنگ پدید آمد.

«انقلاب صنعتی و علمی دوم»، در نیمه قرن نوزدهم رخ داد و موجب دگرگونی در عرصه توزیع و ارتباط و نیز تولید دیدگاه‌های علمی بدیع و اساسی گردید. در «انقلاب صنعتی و علمی سوم» ما با انقلابی در عرصه ارتباطات و فناوری اطلاعات مواجه هستیم. در این مرحله، «نظام جهانی اطلاعات» (World Information Order) از چند طریق شکل می‌گیرد:

الف. ارتباطات رایانه‌ای و تلفنی؛

ب. ارتباطات ماهواره‌ای؛

ج. شبکه‌های بدون مرز تلویزیونی و رادیویی.

علاوه بر موارد مزبور، توسعه صنعتی حمل و نقل هم در این میان نقش آفرین است. مجموعه عوامل یاد شده، سبب برچیده شدن عامل «زمان و مکان» و جغرافیا در ارتباطات ملل گوناگون شده است. از این ویژگی به «افشردگی مکانی» و «باطل شدن جغرافیا» نیز تعبیر می‌کنند.

در چنین شرایطی است که آدمیان احساس می‌کنند در «دهکده‌ای جهانی» به سر می‌برند.

۲) حوزه اقتصاد: در جهانی شدن اقتصاد، شاهد افول و تضعیف «اقتصاد کینزی» هستیم. براساس اقتصاد کینزی که در مقابل اقتصاد کلاسیک است، دست نامرئی بازار به تعدیل چرخه اقتصادی می‌پردازد و دولت نباید در این چرخه مداخله کند. از آن رو که اقتصاد کلاسیک رفاه اقتصادی به بار نیاورد و به شکاف طبقاتی انجامید، کینز قائل به نقش و مداخله دولت در اقتصاد برای حل بحران پیشین گردید، اما امروزه با جهانی شدن اقتصاد، حاکمیت و مداخله دولت در اقتصاد ملی تضعیف می‌شود و در مقابل، آنچه برجسته و تقویت می‌گردد، نقش شرکت‌های چند ملیتی است که وطن و ملیت خاصی ندارند و در پی تولید ارزان‌تر و با صرفه‌تر هستند. این شرکت‌ها از محدودیت قوانین سیاسی و حقوقی ملی تا حد زیادی رهایی می‌یابند. اینجاست که اقتصاد ملی کم‌رنگ می‌شود. در چنین فضایی، سازمان تجارت جهانی (WTO) پدید آمد که نمادی برای جهانی شدن اقتصاد است.

۳) حوزه سیاست: در حوزه سیاست، شاهد پیدایی و بسط و گسترش روزافزون نهادهای سیاسی بین‌المللی و یا مؤثر در سیاست بین‌الملل هستیم. سازمان ملل، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و مؤسسات بین‌المللی متعدد مدافع اموری همچون حقوق بشر و محیط زیست، عرصه را بر سیاست ملی تنگ کرده و رابطه دولت - ملت را دچار چالش متعدد نموده‌اند. به این معنا که گاه تصمیمات حاکمیت، در محدوده ملی، در تضاد با دریافت‌ها و رهیافت‌های چنین نهادها و مؤسساتی قرار می‌گیرد؛ گاه یک تصمیم قضایی، مخالف حقوق بشر شمرده می‌شود و گاه یک تصمیم اقتصادی دولت، با مخالفت سازمان‌های مدافع محیط زیست رو به رو می‌گردد که اقتدار سیاسی دولت را با چالش مواجه می‌سازد.

۴) حوزه فرهنگ: در حوزه فرهنگ، شاهد تقارب و به تعبیر دقیق‌تر، انتقال فرهنگ‌ها هستیم. در این انتقال و ارتباط، فرهنگ با تمامی اجزا و ارکان خود، همچون دین، آداب و رسوم و باورها انتقال پیدا می‌کند و گسترش می‌یابد. نهادهای فرهنگی - حقوقی بین‌المللی همچون مؤسسات پاسبان حقوق بشر، نمادی از جهانی شدن در عرصه فرهنگ هستند.

جهانی شدن یک برنامه یا یک پدیده طبیعی؟

بحث مهمی که در اینجا مطرح است اینکه آیا با یک پدیده طبیعی با نام جهانی شدن روبرویم یا با یک برنامه طراحی شده و هدفمند؟ برخی معتقدند آنچه آن را جهانی شدن می‌نامیم مولود طبیعی و جبری پاره‌ای علل و عوامل فنی و فناورانه است، اما در مقابل، برخی دیگر برآنند که این وضعیت، برنامه‌ای طراحی شده و هدفدار برای تحقق اهداف و امیال غرب است که در این راستا از تعبیراتی همچون «امریکایی‌سازی جهان» یا غربی‌سازی جهان استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد هر یک از دیدگاه‌ها بازتاب وجهی از واقعیت‌اند.

از سوی دیگر، انقلاب ارتباطی و اطلاعاتی و فراگیر شدن وسایل ارتباط جمعی و زوال مرزهای جغرافیایی و مرگ زمان و مکان، مولود طبیعی رشد خیره‌کننده دانش فنی و فناوری است. جهانی شدن به این معنا، امری طبیعی جلوه می‌کند. همچنین باید گفت از آن رو که این وسایل پیشرفته ارتباط جمعی، در دامن کشورهای غربی متولد شده و رشد کرده‌اند، ممکن است عاملی برای انتقال آنچه این کشورها طراحی می‌کنند باشند و اهداف غربی را محقق سازند. چنین وضعی، اکنون در مسئله جهانی شدن حاکم است و ما در واقع با جهانی سازی مواجهیم.

در اینکه غرب در مسئله جهانی شدن، چه چیزی را به دیگران تحمیل می‌کند دو دیدگاه مطرح است:

دیدگاه اول: برخی معتقدند در جهانی شدن، آنچه به دیگران منتقل می‌شود «مدرنیسم» (Modernism) است. مطابق این دیدگاه، مدرنیسم که ذاتاً ماهیتی هژمونیک دارد تسری می‌یابد و به آخرین مرحله تجلی و تکامل خود می‌رسد.

دیدگاه دوم: مطابق این دیدگاه، جهانی شدن در ارتباط اساسی با پست مدرنیسم (Modernism-Post) است. سربرآوردن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های جدید در عرصه‌های گوناگون، تسلط و غلبه و یکپارچگی مدرنیسم را ستانده و جهان را دچار تکثر می‌کند. «کیت نش»، از مدافعان دیدگاه دوم است. به نظر می‌رسد نظریه دوم، چندان مطابق با واقعیت نباشد، زیرا اولاً پست مدرنیسم، دست کم طبق پاره‌ای نگرش‌ها، نقدی از درون تمدن غرب بر مدرنیسم است. پست مدرنیسم، حکایت نارسایی‌های مدرنیسم و البته در چارچوب اندیشه غربی است و از این رو امتداد مدرنیسم است، نه دوران و وضعی مستقل از آن. ثانیاً، حتی اگر در روند جهانی شدن، اندیشه‌ها و فرهنگ‌های دیگر هم رخ بنمایانند، غلبه همچنان با مدرنیسم است. این امر درباره فرهنگ و تمدن‌های غیر اسلامی به دلایل ذیل صادق است:

۱ - ضعف در محتوای فرهنگ‌ها؛

۲ - ضعف در روزآمد نبودن فرهنگ‌ها؛

۳ - ضعف در ناحیه وسایل ارتباطی و فنی که منجر به ضعف در فرم می‌شود.  
درباره فرهنگ و تمدن اسلامی، قطعاً مورد اول صادق نیست، ولی مورد دوم به معنای ضعف فعالیت مسلمانان در روزآمد کردن فرهنگ اسلامی (= حفظ محتوا+ زبان و فرم جدید) و نیز مورد سوم صادق است.  
اکنون به پاره‌ای از عوامل اصلی مدرنیسم می‌پردازیم تا دریابیم که با جهانی شدن، پاره دیگر جهان چه هدیه‌ای از غرب دریافت می‌کند:

عناصر اساسی مدرنیسم

۱ . عقل‌گرایی (Rationalism)

انسان مدرن، با عقل ابزاری، را جدید برای زندگی خود گشود. عقل ابزاری، عقلی است که به درک جهان اطراف و روابط میان پدیده‌ها پرداخته و نتایج به دست آمده را به صورت قواعدی تنظیم می‌کند.

چنین عقلی، بیشتر کارایی عملی دارد و به انسان امروز، امکان تغییر جهان به سوی وضع مطلوب و زندگی بهتر و راحت‌تر، در راستای لذایذ غریزی می‌دهد. این عقل، با اندیشه دینی و معارف وحیانی ارتباطی ندارد و از آن گریزان است. انسان مدرن، با کنار گذاشتن عقل شهودی، که وجه جداکننده دوران پیشا مدرن از دوران مدرن بود و می‌توانست در زمینه مفاهیم وحیانی و حقایق کلی هستی کاوش کند، راه و عرصه را برای عقل ابزاری گشود.

۲ . اومانیسم (انسان‌مداری) (Humanism)

در دیدگاه مدرن، انسان، محور و کانون هستی است و اصالت دارد. توانایی‌های ذهنی و ادراکی و علمی او برای اداره زندگی‌اش کفایت می‌کنند. در دیدگاه سنتی، انسان گرچه شرافت و کرامت دارد، اما این شرافت و کرامت از طریق بندگی و عبودیت حاصل می‌شود؛ انسان رها و گسیخته از عبودیت، انسان شریفی نیست.

در مقابل، انسان جدید بر استقلال خود و کرامت‌های ذاتی خود و حاکمیت خود بر تدابیر آموزش تأکید کرده و امر و نهی صادر از جایی فراتر از خود را نپذیرفته است. در دوران ماقبل مدرن کانون هستی، خداوند و ارزش هر چیز وامدار نسبتش با او بود، اما در عصر مدرن، انسان مرکز عالم شد و ارزش هر چیز، وابسته به خواست و تمایل او گشت.

۳ . سکولاریسم (جدا انگاری دین و دنیا)

سکولاریسم، فرایندی است که ضمن آن وجدان دینی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی، اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و این بدان معناست که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود و کارکردهای اساسی در عملکرد جامعه، با خارج شدن از زیر نفوذ و نظارت عواملی که اختصاصاً به امور ماورا طبیعی عنایت دارند، عقلانی می‌گردند. امروزه دین در غرب، از اوج، مرتبت، نفوذ فراگیر و حتی تعیین کننده و سرنوشت‌سازی که روزگاری از آن برخوردار بود سقوط کرده و صرفاً به یک بخش از نظم اجتماعی تبدیل گردیده است.

۴ . آزادی

انسان مدرن خود را در ساحت اندیشه، بیان و عمل، آزاد و رها می‌بیند. او در اجتماع آزاد است تا هرگونه که می‌خواهد زندگی و رفتار کند. آزادی او هیچ قیدی ندارد بجز آزادی و خشنودی دیگران. فقط زمانی که آزادی دیگران برهم خورد، آزادی محدود می‌شود و گرنه آدمی، اولاً و بالذات هیچ منع و محدودیتی، حتی منع و محدودیت دینی و الهی را نمی‌پذیرد، چرا که عرصه اجتماعی، عرصه حقوق آدمی است و این حقوق را آدمیان خود وضع می‌کنند نه خداوند. به دیگر سخن، در عرصه حیات جمعی و زندگی اجتماعی، مبنای رفتار آدمیان توافقات خود آنان است نه تکالیف دینی. از این رو در جوامع غربی، اموری همچون همجنس بازی مشروع و قانونی می‌شود.

بحران‌های دامنگیر جوامع مدرن

۱ . بحران معرفتی

انسان مدرن از زمان «کانت» به بعد، میان خود و جهان واقع، فاصله‌ای پرنشدنی می‌بیند. راه شناخت حقیقت اشیا به روی انسان مدرن بسته است و او با عینک ذهن خود، جهان را می‌بیند و می‌سازد. این جهان، جهان اوست نه جهان واقع. از اینجا ریشه‌های شک‌گرایی انسان

جدید متولد شده است. از دیگر سو، نتیجه مطالعات هرمنوتیکی نشان می‌داد که هیچ فهم ناب و کاملی از يك متن، فراچنگ نخواهد آمد. در معرفت‌شناسی، صدق به انسجام با دیگر نظریه‌ها تعریف شد و نه به مطابقت با واقع؛ مینا گروی حریفی به نام «انسجام گروی» یافت. نظریه‌های علوم تجربی با مشکل قطعیت نداشتن مواجه شدند و قصه تغذیه آنان از علل و عوامل غیرمعرفتی بر زبان افتاد. در این میان، نظریه‌های علوم تجربی شتاب آلود جای خود را به دیگری می‌دادند و این انسان مدرن بود که روز به روز دچار بحران معرفت و فقدان اطمینان و شك و تردید بیشتری می‌شد.

## ۲. بحران اخلاق

در دوران مدرن، مکاتبی همچون نسبی‌گرایی، سودمداری و لذت‌مداری در فلسفه اخلاق پدیدار شدند که دست کم در برخی شقوق خود (هم‌چون لذت‌مداری یا سودمداری تعدیل‌ناپذیر) به مشکلات اخلاقی جوامع غربی و ناپهنجاری‌های اجتماعی منجر شد و یا در گسترش آنها نقش داشت. چنانکه ذکر گردید، مطابق با اصل آزادی و نیز اومانیزم، انسان غربی دست خود را برای ارضای بی‌حد و حصر و لجام‌گسیخته شهوات و امیال نفسانی، گشوده دید و این چنین شد که امروزه، غرب گرفتار بحران معنویت و اخلاق است. غرب، امروزه با معضلات بزرگی همچون خشونت‌های خیابانی، مصرف بسیار گسترده مشروبات الکلی و مواد مخدر، داروهای توهم‌زا، آزار جنسی و هم‌جنس‌بازی رو به روست. از علل جمله گسترش مشکلات اخلاقی، توسعه و پیشرفت وسایل ارتباطی و فناوری اطلاعات است. شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی، در این زمینه نقشی اساسی دارند. از آثار چنین اوضاعی در جوامع غربی، فروپاشی جایگاه و منزلت خانواده، افزایش مردان و زنان بی‌همسر و یا طلاق گرفته و فزونی عشق‌های خارج از ازدواج است.

## ۳. بحران روانی

اضطراب و استرس، بیماری قرن و بیماری دوران مدرن است. اروپایی‌ها، خود واژه «عصر اضطراب» را برای توصیف قرن بیستم برگزیده‌اند. شکل خاص اضطراب در قرن حاضر، مولد «بی‌معنایی» و «پوچی و بی‌اهمیتی» است؛ بی‌معنایی و پوچی زندگی و بی‌هویتی انسان. جهان جدید، کانون معنوی و معنابخش زندگی خود را گم کرده است. انسان جدید ابتدا خدا را کنار زد تا با عقل خود، خود را آرام و قرار دهد، اما دیری نپایید که دانست کنار رفتن خدا از صحنه زندگی، نه فقط آرام و قرار نمی‌دهد، بل اضطراب و تشویش می‌آفریند؛ چنانکه «نیچه» می‌گوید: «خدا مرده است»؛ یعنی در دوران جدید، حضور خدا در زندگی انسان از بین رفته است. چنین است که در غرب امروز، بشر به پوچی رسیده، از ورزش و سینما همچون دین‌های جدید قدردانی می‌کند و خود را به آنها می‌آویزد.

بخش دوم: کارکردهای مساجد و نقش آنها در عصر جهانی شدن

مساجد در عصر جهانی شدن یا جهانی‌سازی دارای کارکردهای اساسی است که بدان‌ها اشاره می‌شود:

### ۱. تکثیر اندیشه دینی

همچنان که گفتیم در عصر جهانی شدن، جهان غرب می‌کوشد تا مدرنیسم را به نیمه دیگر جهان تحمیل کند و ذهن و ضمیر افراد سوبه دیگر زمین را با زینت و زیورهای فریبنده آن تسخیر کند. برای مقابله با چنین امری، مساجد می‌توانند کانون‌هایی برای طرح اندیشه دینی در مقابل اندیشه غربی باشند. به دیگر سخن، مساجد می‌توانند از ظرفیت‌های خود سود جویند و اندیشه قدسی و الهی را که زلال و پاک و شفاف است، به مسلمانان و علی‌الخصوص جوانان مسلمان عرضه کنند و در مقابل مدرنیسم که رهاورد مغرب زمین است و سمت و سوی بی‌وحی و معارف قدس و اندیشه‌های الهی ندارد بایستند.

### ۲. زدودن شبهات فکری

جهان غرب می‌کوشد با بیان سیل‌آسا و انبوه شبهات فکری، اندیشه جوان مسلمان را به علایق دینی و اعتقادات مذهبی خود سست کند و به تدریج از او فردی لاقید بسازد. چنین فردی دیگر نخواهد توانست در خدمت انقلاب اسلامی و اهداف عالی آن بکوشد و سودای پیشرفت دینی و دنیوی در سر داشته باشد.

مساجد علاوه بر راهکار تکثیر اندیشه‌ی دینی می‌توانند در این عرصه، کانونی برای دفع شبهات جدید فکری و القائات دنیای مدرن باشند و به جوانان راه حل صحیح مشکلات فکری را عرضه دارند و آنان را در برابر این هجمه شدید، بیمه نمایند؛ بدین سان مساجد در سیمای کانون مقابله با «شبیخون فرهنگی» عرض اندام کرده و جلوه‌گر می‌شوند.

### ۳. تأمین بهداشت روان

بهداشت روان در جهان جدید مسئله پراهمیت و دشواری است. چنانکه آوردیم یکی از معضلات و مشکلات دنیای معاصر، مسئله بحران‌های روحی و روانی است تا بدانجا که عصر جدید را «عصر اضطراب» می‌نامند. دنیای غرب، توأم با تحمیل فرهنگ خود به دیگر جوامع بشری، بیماری دوران مدرن یعنی اضطراب را هم مخفیانه و پوشیده به آنان انتقال می‌دهد. در اینجا هم مساجد می‌توانند نقش فعالی ایفا کنند و در تطهیر ذهنی و روان و بهداشت روانی فرد کمک شایانی عرضه کنند. این امر از طریق برنامه‌های عبادی همچون دعا، نماز، راز و نیایش و عزاداری که در مساجد صورت می‌گیرد، محقق خواهد شد. نیکوست تا در اینجا به مسئله‌ای جالب توجه اشاره کنیم و آن تأثیر سبک معماری اسلامی مساجد در روح و روان و بهداشت روان افراد است.

«ویلیام جیمز» در کتاب «دین و روان» می‌گوید:

«اجازه می‌خواهم که در اینجا نظری به ساختمان‌های معابد انداخته و ببینیم که در به کار بردن زیبایی‌ها در ساختمان‌های بعضی از معابد همان نیاز و احتیاجی ملاحظه شده است که در نهاد و سرشت آدمی تعبیه شده است.

روحیه‌هایی از مردم هست که به سادگی بسیار علاقه‌مند بوده و به بی‌آلایشی داخلی خود اهمیت به سزایی می‌دهند. در مقابل، مردم دیگری هستند که به زرق و برق و جلال و جبروت اهمیت می‌دهند؛ روحیه‌ای که به جاه و جلال اهمیت فراوان می‌دهد از یک معبد ساده و بی‌آلایش خوشش نمی‌آید. او به یک سازمان روحانیتی نیازمند است که پرابهت و جلال باشد و یک مقام با عظمتی در رأس آن قرار گیرد. این‌ها در مقابل معبد پر عظمتی که سر به آسمان برافراشته و در آن صدای تکبیر و الله اکبر با لحنی مخصوص طنین‌انداز باشد، عظمت و قدوسیت خداوند را بیشتر و بهتر درک می‌کنند»<sup>۱</sup>.

سید حسین نصر در کتاب «جوان مسلمان و دنیای متجدد» می‌نویسد:

«شاهکارهای بزرگ هنر اسلامی، همچون مساجد جامع قرطبه در اسپانیا، قیروان در تونس و ابن‌طولون در قاهره یا نظایر آنها در جهان اسلام مثل: بناها و مساجد استانبول و مخصوصاً اصفهان و سمرقند، نه فقط جلوه‌هایی از روح وحی اسلامی را بلافاصله بازتابانده است، بل طنین جان و جوهر همان روح است و به یک معنا، روشن‌ترین و عینی‌ترین پاسخ را به این سؤال می‌دهد که: «اسلام چیست؟» این بناها برخی از مهم‌ترین جنبه‌های پیام اسلام را در هماهنگی و تناسب و صفا و روشنی و آرامش خود متبلور ساخته است»<sup>۲</sup>.

#### ۴. گسترش اندیشه‌ی «مهدویت»

مساجد می‌توانند کانونی نقش آفرین و اساسی در جهت گسترش و تعمیق اندیشه مهدویت و به سخن روشن‌تر، جهانی شدن مهدوی (عج) باشند. در اندیشه شیعی، مهدی موعود (عج)، روزگاری دعوت جهانی خود را آغاز خواهد کرد و حکومتی جهانی را به پا خواهد نمود و اندیشه الهی و وحیانی شیعی را در سراسر گیتی خواهد گستراند.

بنابراین شیعه معتقد به جهانی سازی مهدوی (عج) است. این اندیشه نقطه مقابل جهانی‌سازی غربی است که از زلال وحی به دور و بر مبنای فرهنگ و تمدن غرب استوار است. شیعه می‌تواند از اندیشه مهدویت سود جوید و آن را به جهانیان عرضه دارد و دل‌های افسرده و دردمند سراسر عالم را امیدوار سازد و به آنان بفهماند که چنان نیست که اندیشه غالب، اندیشه غرب و جهان کفر باشد. برای نیل به چنین هدفی، باید از مساجد یاری گرفت تا ابتدا خود اندیشه مهدویت در میان شیعیان به تعمیق و رشد و بالندگی برسد و زمینه صدور آن فراهم گردد.

#### ۵. بازیابی هویت

از جمله فرق‌های دوران ماقبل مدرن و جهان‌سنّتی با دوران مدرن این است که در دوران ماقبل مدرن، جهان و اشیای پیرامون آدمی ساده بودند نه پیچیده، این اشیای نشانه‌ها و آیت خداوند بود. آدمی با نظری به آنها به یاد خداوند می‌افتاد و یا آنکه به تأمل در خود و هستی خود و شناخت حقایق نفس خود کشانده می‌شد؛ به دیگر سخن، جهان چنان دیده می‌شد که گویی محضر و تجلی‌گاه خداوند است. فرآورده‌های عملی و فنی بشر در آن دروان هم واجد چنین وضعی بود، یعنی انسان با دیدن آنها یا به خدا و یا به نفس خود (به‌عنوان

<sup>۱</sup> . ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمه مهدی قائنی، انتشارات آموزشی انقلاب اسلامی: ص ۱۵۰ - ۱۵۱ .

<sup>۲</sup> . سید حسین نصر، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو: ص ۱۴۸ - ۱۴۹ .

مقدمه‌ای برای رجوع به خدا) ارجاع داده می‌شد و چنین است که در معماری سنتی مساجد مفاهیم دینی خودنمایی می‌کند. اما در جهان مدرن، جهان و اشیای پیرامون آدمیان، پیچیده شدند و جامعه سادگی را به در کردند؛ بشر به جای آن که به تفسیر طبیعت نشیند، به تغییر او پرداخت و دنیایی عجیب و پر زرق و برق با انواع و اقسام محصولات فناورانه مدرن پدید آورد.

در این دنیا، اشیای دیگر آیت و وجه الله نبودند. آدمی با نظر به اشیای پیرامون و مکان‌های اطراف خویش، به خدا یا نفس خود ارجاع داده نمی‌شود. به دیگر سخن، دنیای مدرن، دنیایی است که در آن محصولاتی که پدید می‌آیند و مکان‌هایی که ساخته می‌شوند، ناشی از نفسیانت بشرند، اشیای و مکان‌هایی که چنین باشد آیات خداوند نخواهند بود.

بنابراین، بشر در دنیای مدرن با نظر به اشیای پیرامون خود، دیگر به خود و خدا باز نمی‌گردد و هویت و چیستی حقیقی خود را بازیابی نمی‌کند، بل در همان اشیای ظلمانی و نفسانی فرو می‌رود. اما در همین دنیای مدرن، اشیای و مکان‌های سنتی و دینی که رنگ خدا به خود گرفته‌اند، می‌توانند بشر را به خود یا خدا ارجاع دهند. مسجد از جمله همین مکان‌هاست. مسجد مکانی است که بشر امروز هویت الهی خود را در آن باز می‌یابد.

در مساجد، این مؤلفه بازگشتی (بازگشت به خود و خدا) به خوبی و به زیبایی تمام، جلوه‌گر و آشکار است. معماری مساجد، نوای دلنواز و قدسی اذان که از مناره‌ها به گوش می‌رسد، نماز جماعتی که در مساجد برپا می‌شود، نیایش‌ها، دعاها و عزاداری‌هایی که در مساجد تحقق می‌یابد همگی عواملی مؤثر در رجوع انسان به خود و خدای خود است.

فهرست منابع

۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صوری، نشر نی.
۲. ابوریع، ابراهیم، امکان پاسخی معاصر و اسلامی به جهانی شدن، پگاه حوزه، ض ۱۷، ۱۸، ۱۹.
۳. ویلسون، براین.ر، جدا انگاری دین‌ودنیا، ترجمه مرتضی اسعدی در: فرهنگ‌ودین: مجموعه مقالات، انتشارات طرح نو.
۴. دیویس، تونی، اومانیزم، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز.
۵. کورتی موری، جان، انسان بی‌خدای عصر نوگرایی و عصر فرانو گرایی، ترجمه هدایت علوی تبار، ارغنون، ش ۱۱، ۱۲.
۶. جهانی شدن، دین و جهان گرایی، گفت و گو با عماد افروغ، پگاه حوزه، ش ۸.
۷. بشرویه، حسین، جهانی شدن و حاکمیت ملی، هفته نامه آبان، دوره جدید، سال اول، ش ۴.
۸. دین و جهانی شدن، تقابل یا تعامل، گفت‌وگو با محمد مسجد جامعی، پگاه حوزه، ض ۱۳.
۹. دین و جهانی شدن، گفت‌وگو با حسین کچوئیان، روزنامه همشهری، فروردین ۶۳، ش ۳۳۵۰، ۳۳۵۱.
۱۰. میلاد، زکی، جهانی شدن و اندیشه اسلامی، ترجمه سید محمد موسوی، پگاه حوزه، ش ۱۱.
۱۱. سنت، مدرنیته، پست مدرن، گفت‌وگو با سید جواد طباطبایی، هفته نامه راه نو، ش ۸.
۱۲. نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو.
۱۳. شجاعی‌زند، علیرضا، عرفی شدن، دین، فرد و جامعه، مجله نقد و نظر، سال ۶، ش ۱، ۲.
۱۴. عبدالکریم، عمرو، جهان شدن در عرصه‌های سرمایه، تکنولوژی و فرهنگ، ترجمه جهانگیر میرزایی
- پگاه حوزه، ش ۲۷.
۱۵. لومر، فرانکلین، بحران مدرنیته، ترجمه جمال کاظمی، پگاه حوزه، ش ۲۷.
۱۶. فلسفه فرج و جهانی شدن، مجله قیاسات، ش ۳۳.
۱۷. گرگور، گدس مک، شك و ایمان، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، فرهنگ و دین، انتشارات طرح نو.
۱۸. پترسون، مایکل، بروس رایشنباخ و... عقل واعتقاد دینی، ترجمه ابراهیم سلطانی و احمد نراقی، انتشارات طرح نو.
۱۹. نقد روایت ایدئولوژیک از عصر جهانی شدن، گفت و گو با دکتر الهی، پگاه حوزه، ش ۲۴ و ۲۵.
۲۰. ویژه‌نامه همایش جهانی شدن و دین، ش ۱، دی ۸۱.
۲۱. جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی فائنی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.